

مبارزه در تبعید

فخر

آخرین میزان مهربان

تألیف:

یقوب لطفی



موزه عبرت ایران

۱۳۹۳

لفطى، يعقوب، ۱۳۳۵ -

مبارزه در تبعيد «جيرفت»: آخرين ميزبان مهربان/ تاليف يعقوب لطفى.
تهران: موزه عبرت ايران، ۱۳۹۳.
۲۳۲ ص.

978-600-04-0774-2

فيا

تبعيد و تبعيديان -- ايران -- جيرفت

ايران -- تاريخ -- پهلوى، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- خاطرات

ايران -- تاريخ -- پهلوى، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- استاد و مدارك

موزه عبرت ايران (تهران)

DSR1509/م ۱۳۰۲

۹۵۵/۰۸۲۴

۱۳۳۴۶



موزه عبرت ايران

مبارزه در تبعيد

«جيرفت»

آخرين ميزبان مهربان

دبير يعقوب لطفى

ناشر: موزه عبرت ايران

حروفچينى و صفحه‌آرايى: عزت‌الله ميرى

طراح جلد: محمداسماعيل پور

چاپ و صحافى: مهربان

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قيمت: ۷۵۰۰۰ ريال

شابك: ۲- ۰۷۷۴-۰۴-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978-600-04-0774-2

كلية حقوق اين اثر براى ناشر محفوظ است

نشاني: تهران - ميدان امام خمينى (ره) - ابتداي خيابان فردوسى - كوچه طبرس -

خيابان شهيد يارجانى - پلاك ۱۱ - موزه عبرت ايران

تلفن: ۷- ۶۶۷۲۲۰۹۶ - فاكس: ۶۶۷۲۷۵۹۷

نشاني اينترنتى: WWW.Ebratmuseum.ir

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۱۱	مقدمه

فصل اول

(توصیف شهرستان جیرفت)

۲۰	پیش‌گفتاری بر فصل اول
۲۱	توصیف شهرستان جیرفت از استان کرمان

فصل دوم

(معرفی تبعیدی‌ها - خاطرات و اسناد)

۳	پیش‌گفتاری بر فصل دوم
۱۰	معرفی تبعیدی‌ها - خاطرات و اسناد
۱۱	تبعیدی‌های شهرستان جیرفت
۳۴	حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای
۳۹	سخن‌آغازین
۴۱	ماجرای تبعید و وقایع اتفاقیه
۶۴	آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

- ۶۶ غیبت محسوب ندارید
- ۶۸ آیت الله حاج شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی
- ۷۰ تبعیدی‌های پی در پی
- ۷۳ جلسه در تبعید
- ۸۲ آیت الله محمدمهدی ربانی املشی
- ۹۰ آیت الله حاج حسین نوری همدانی
- ۹۹ آیت الله محمد یزدی
- ۱۰۰ حکم تبعید به جیرفت صادر ولی عملی نشد
- ۱۰۱ دستور واک قم مبنی بر تغییر محل به جیرفت
- ۱۰۴ آیت الله محمدعلی گرامی
- ۱۰۶ جیرفت آخرین تبعیدگاه
- ۱۰۸ جمع خوب در جیرفت
- ۱۰۹ عکس با لباس عربی
- ۱۱۰ حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی
- ۱۱۴ خبرهای امیدبخش
- ۱۱۸ حجت الاسلام و المسلمین عبدالعزیز معالی خواه
- ۱۱۹ جنبش سراسری
- ۱۲۱ جیرفت سومین تبعیدگاه
- ۱۲۳ مذاکره در خیابان‌های جیرفت
- ۱۲۵ دولت آشتی ملی ساقط شد
- ۱۴۰ آقای غلامحسین خردمند
- ۱۴۱ چرا نشسته‌ای؟
- ۱۴۲ آقای حسین سلیمانی
- ۱۴۴ آقای قاسم دخیلی

۱۴۶	 مهدی نصیری لاری
۱۴۷	 تبعید به خاطر نوار سخنرانی

فصل سوم

(بازتاب تبعیدها و اقدامات و تحرکات ساواک

به روایت اسناد ساواک)

۱۵۰	 پیش گفتاری بر فصل سوم
۱۵۱	 اسناد
۱۸۶	 سخن پایانی
۱۸۷	 فهرست اعلام
۱۹۴	 فهرست اماکن
۱۹۹	 عکس‌ها
۲۲۳	 فهرست انتشارات موزه عبرت اسناد

مقدمه

بعد یعنی دور کردن. پس از روی کار آمدن سلطنت پهلوی، این کلمه به تدریج مفهوم سیاسی پیدا کرد. وقتی حکومت، کسی را به جرم سیاسی از شهر خود دور می‌کرد و او را به اقامت در منطقه‌های دیگر مجبور می‌کرد، می‌گفتند تبعید صورت گرفته است. پس تبعید نوعی محازات برای مبارزان سیاسی بود که دادگاهها برای آن متهمان در نظر می‌گرفتند به تبعید «نفی بلد» هم می‌گویند. در دوره حکومت پهلوی دوم، از این محازات برای دور کردن مبارزان از شهرهایشان، فراوان استفاده می‌شد. مناطقی که تبعید شدگان به آنجا فرستاده می‌شدند، بد آب و هوا، دور از مرکز و معمولاً در استان‌های مرزی بود. چابهار، بندر لنگه، ایرانشهر، زابل، گنبد کاوس، سقز، فیروزآباد، بانه، بافت، جیرفت، شوشتر، انارک، و شهرهای دیگر از جمله تبعیدگاههای ایران بودند. مدت زمان تبعید بنا به حکمی که دادگاه می‌داد تعیین می‌شد. شش ماه، یک سال، دو سال یا بیشتر تا سه سال هم بود. روحانیون سیاسی بیش از دیگر گروههای اجتماعی تبعید می‌شدند. با افزایش شمار تبعیدی‌ها،

رویداد تازه‌ای رخ داد و آن آگاه شدن مردم بود، اهالی این مناطق از تظاهرات، راه‌پیمایی‌ها و قیام‌های عمومی دور بودند، اما با حضور روحانیان تبعیدی، مردم از آن چه در شهرهای بزرگ می‌گذشت، از زبان کسانی که عامل بروز آن رویدادها بودند با خبر می‌شدند. با آن که تبعیدی‌ها تحت نظر ژاندارمری بودند و اجازه فعالیت نداشتند، اما بسیار اتفاق افتاد که روحانیان تبعیدی با سخنرانی و حتی ترستن اسلامی، به مردم محل تبعید اطلاع‌رسانی می‌کردند و به همین علت دست‌انگاه ساواک پس از مدتی محل اقامت آنها را تغییر می‌داد.^۱ البته بی‌نیاز از یادآوری است که روحانیون تبعیدی از حوزه علیمه قم، در واقع سیراد انقلاب به دور افتاده‌ترین نقاط کشور بودند که ناخواسته از سوی رژیم پهلوی به آن نقاط اعزام می‌شدند. بی‌تردید بازخوانی تاریخچه در خاطرات مرتبط با آن رویداد که به طور مشخص در دو نوبت یعنی سال ۱۳۵۲ و نیز سال ۱۳۵۶ و در پی واقعه غرور آفرین ۱۹ دی قم به وقوع پیوست، از عرصه‌هایی است که تا کنون از منظر تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نمی‌دانم چه حکمتی را خداوند متعال مقرر نموده است که امروزه به مبارزین عرصه نهضت انقلاب

^۱ - دایره‌المعارف انقلاب اسلامی، جلد اول، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، صفحه ۲۳۳

اسلامی حضرت امام خمینی (ره) (از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷) کمتر توجه می‌شود. کم‌توجهی زمانی جدی‌تر می‌شود که اصولاً کمتر کسی یا نهادی یادی از تبعید شدگان رژیم ستم‌شاهی می‌کرد و بیشترین هیاوها حول مسائل و مطالبی است که شاید بیش از اندازه به آن‌ها پرداخته می‌شود که می‌شود از آنها نکاست و به این مقوا هم عنایت بیشتری داشت. موضوع بررسی وضعیت تبعید و تبعیدی‌ها، رژیم پهلوی، علاوه بر این که زندان رفتن و شکنجه‌ها را تحمل نمودن در ارزش‌تر نیست بلکه در اکثر مواقع ارزش بیشتری هم پیدا می‌نماید. بسیاری از رژیم پهلوی کسانی هستند که برای دفاع از حریم دین و ولایت و تحقق اهداف و آرمان‌های بلند بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران از هیچ کوششی فروگذار نکردند و با گذشتن از جان، مال، خانواده، موقعیت، تن به ذلت و سازش نداده و دوری از وطن و کاشانه را در زندگی روزمره ترجیح دادند و چقدر هوشمندانه این راه را انتخاب کردند تا ضمن ادای دین به اهداف الهی و انسانی، همچنان سفیران آگاهی باشند. تمام پاک‌اندیشان سراسر خطه میهن خود، یعنی کشور ایران باشند و چه خوش این پیام‌آوران درخشیدند به طوری که انوار ساطع شده از وجود پاک آنها، مردم روشن‌ضمیر مناطق مختلف تبعیدگاهها را آگاه

ساخته و در مدت کوتاهی بر خیل لشکر پاک‌طینتان تاریخ افزوده شد.

رژیم سلطنتی پهلوی برای خلاصی از دست مبارزین، بخصوص طبقه روحانیون با استفاده از ماده پنج کمیسیون تأمین نیت اجتماعی از سال ۱۳۴۲ شمسی تا سال ۱۳۵۷ شمسی در چهار مرحله سنگین و پرهیاهو بیش از دویست نفر از آنها را به تبعیدگاه‌های مختلف فرستاد. در بررسی‌های به عمل آمده تعداد این تبعیدگاه‌ها یکصد شهر و آبادی می‌رسد که لازم به توضیح است برای هر تبعیدی و تبعیدگاه ملاحظات خاصی هم در نظر گرفته می‌شد که این ملاحظات قابل استناد است به طوری که روحانیون شیعه به شهرهای سنی‌نشین یا روحانی‌داری زبان به شهرهای فارس‌زبان یا روحانی با مقام آیت‌اللهی به یک شهر دور افتاده با مردم بسیار بی‌سواد یا کم‌سواد تبعید می‌شدند تا ضمن انجام تبعید از نظر روحی و روانی هم آنها را در هم بشکنند که صد البته آن تبعیدی‌ها شکفتند و خود آنها شکستند.

شهرهای مختلفی همچون خارک، انارک، جیرفت، ایرانشهر، زابل، بندرعباس، بندر دیلم، بندر گناوه، بوشهر، سمنان، سقز، بانه، کرمان، سیرجان، و دهها شهر دیگر، روزها و ماهها و سال‌ها صمیمانه و عاشقانه پذیرای خیل عظیم مخالفین رژیم پهلوی به

عنوان تبعیدی بودند و امروزه همه تبعیده‌های در قید حیات هنوز از محبت‌ها و مهربانی‌های ساکنین این شهرها به زیبایی و نیکی یاد می‌کنند که این نشان از عظمت ملت با فرهنگ کهن و غیور این خطه اسلامی در طول تاریخ دارد.

رای پرداختن به این موضوع مهم ولی فراموش شده، ابتدا تحقیقات لازم در مورد تبعیدگاه‌های رژیم پهلوی به عمل آمد و بولتن‌های بویه‌ای و فصلی ساواک که در مورد تبعیدی‌ها تهیه می‌شد، مطالعه و بررسی دقیق شد و خداوند متعال توفیق داد، اولین کتاب در مورد موضوع تبعید با عنوان مبارزه در تبعید خارک جزیره سوزان به زیور طبع آراسته و روانه بازار نشر شد و مورد استقبال علاقمندان قرار گرفت.

امیدواریم خداوند منان یاری دهد تا بتوانیم این راه را ادامه بدهیم و مجلدات بعدی را هم سر و سامان داد و تقدیم حافظه تاریخی این مرز و بوم نماییم. حتماً خوانندگان محترم توجه دارند که مدارک و مستندات این حوزه چندان غنی نبوده و اکثری کمتر هم در دسترس قرار دارد. بنابراین انجام کار با قدری دشواری همراه است و بدیهی است حلاوت و شیرینی نتیجه حاصله از تلاش‌ها، جبران سختی‌ها را می‌نماید که جای بسی شکر و قدردانی از الطاف خداوند مهربانی‌ها دارد. امروز این افتخار برای ملت صبور

ایران اسلامی وجود دارد که بنیان‌گذار و رهبر فقید نظام جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای مد ظله‌العالی از تبعیدی‌های سرافراز و قهرمان و پایدار رژیم پهلوی بودند و این رهبران فداکار، همواره در خطوط اول مبارزه علیه ظلم و خیانت و استبداد بودند و در این مسیر نورانی و الهی از فدا نمودن همه چیز خود دریغ داشتند و در اثر همین تلاش‌ها و مرارت‌ها و رنج‌ها بود که بر اساس دست دیرینه و لا یتغیر خداوند، دست تقدیر الهی آن یوسف زندانی و تبعیدی مظلوم رژیم سلطنتی پهلوی را به پاس پایداری و استقامت امت بهره‌ان و مسلمان به عزیزی مصر ایران برگزید و یکی از کمیاب‌ترین غلاب‌های بشری را رقم زد.

حضرت امام (ره) در پیام تحریم جشن‌های سوم و نیمه شعبان در سیزدهم تیر ماه سال ۱۳۵۷ چنین فرمودند: «حکونه ممکن است کسی نظر دهد که جشن بگیرند و شادمانی کنند. شادمانی در مقابل تبعیدیان که بر خلاف تمام موازین اسلامی و قانونی از ارطاز بیرون رانده شده‌اند؟»

رژیم پهلوی بعد از تبعید امام، هنگام مواجهه با تشدید فعالیت مخالفین، بخصوص روحانیون و از افراد مذهبی و مؤثر در نهضت، بلافاصله دست به کار شده و با دستگیری آنان و بر اساس آراء

فرمایشی کمیسیون تأمین امنیت اجتماعی، آنها را با مدت‌های طولانی به شهرهای مختلف تبعید می‌نمود. این تبعیدها از سال ۱۳۴۳ شمسی شروع و در سال ۱۳۵۷ شمسی خاتمه می‌یابد و در این مدت، تبعیدی‌ها در چهار مرحله از اوطان خود جدا شده و محکوم به اقامت اجباری در شهرهای دیگر شدند. در میان تبعیدی‌ها بدون استثناء افراد سرشناس و فعال حضور دارند که ذکر نام آنها در کتاب حارک جزیره سوزان و این کتاب و انشاءالله کتابهای بعدی تیم خرواندگان محترم خواهد شد.

این کتاب پس از سه فصل اول به توصیف موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های شهر جیرفت (شهر دارالولایه) می‌پردازد و فصل دوم به سیر احوالات تبعیدی‌های شهر جیرفت شامل زندگینامه مختصر، خاطرات و اسناد به دست آمده اختصاص دارد که به نظر می‌رسد مجموعه‌ای قابل اعتنا و غنی خواهد بود. در فصل سوم به تحرکات و اقدامات ساواک در قبال تبعیدی‌ها می‌پردازیم که با بررسی آنها مشخص شده است که چرا تبعیدی‌ها تبعیدی نه تنها مشکلی را از رژیم پهلوی حل نکرد، بلکه به خواست خداوند متعال و دعای بازماندگان آنها، بر مشکلات عناصر و کارگزاران رژیم پهلوی هم افزوده است و از طرفی بسی جای تعجب دارد که در آن زمان که فریاد حقوق بشر و دفاع از آن،

گوش فلک را کر کرده بود، متأسفانه مجامع عمومی حقوق بشری دنیا با نادیده گرفتن حقایق و مستندات در مورد تبعیدی‌های کشور ایران کاملاً سکوت نموده و از حامیان زور و ستم جانبداری می‌کردند که البته این رویه هنوز هم بر جهان ساری و جاری است. در ادامه فصول اول و سوم، این کتاب مزین به تعدادی عکس مرتبط با موضوع است که تلاش کردیم با انتخاب عکس‌های مناسب بر بنیادیت آن افزوده شود و اثری مستندتر ارائه گردد.

خدایان را سپاسگزارم که توفیق داد این نوشتار را به پایان ببرم و قطره‌ای به اقیانوس خروشان آزادگی و حریت بیافزایم. از خداوند مهربان مستثنا داریم که ترفیق دهد و قدرشناس واقعی این مبارزان و دلاوران سترگ مبدی عزیزمان باشیم و از این امانت الهی به نحو احسن صیانت و مراقبت نه‌باشد.

یعقوب لطفی

بهار ۱۳۹۳